

شنبه 27 مهر 1392 - 13 ذی الحجه 1434 - 19 اکتبر 2013

در حالی که اوضاع اقتصادی ایران در این زمان دچار آشفتگی بود، مظفرالدین شاه قاجار چندین بار به بهانه یی معالجه، به سفر فرنگ رفت و در هر بار با استقراض از دولت های خارجی خصوصاً روسیه، مملکت را دچار بدهکاری های هنگفت نمود و دست ...

**اولین سفر "مظفرالدین شاه قاجار" به فرنگ (1317 ق)**

در حالی که اوضاع اقتصادی ایران در این زمان دچار آشفتگی بود، مظفرالدین شاه قاجار چندین بار به بهانه یی معالجه، به سفر فرنگ رفت و در هر بار با استقراض از دولت های خارجی خصوصاً روسیه، مملکت را دچار بدهکاری های هنگفت نمود و دست آنان را در دخالت در امور کشور باز گذاشت.

مظفرالدین شاه مانند پدرش مشتاق سفر به اروپا بود و در روز ۲۳ فروردین ۱۲۷۹ وی اولین سفر خود را به کشورهای اروپایی آغاز کرد. امین السلطان (اتابک اعظم) در ۹ بهمن ۱۲۷۸ برای دومین بار با وعده تامین مخارج سفر شاه به این مقام صدارت منصوب شده بود، قراردادی برای دریافت ۲۳ میلیون و پانصد هزار روبل قرضه از روسیه امضا کرد و عایدات گمرکات ایران را که ممر اصلی درآمد خزانه بود در ازاء آن به وثیقه گذاشت. با دریافت این قرضه مقدمات سفر مظفرالدین شاه به فرانسه فراهم شد.

اولین سفر مظفرالدین شاه به اروپا هفت ماه به طول انجامید و در این مدت پنجمین پادشاه قاجار از کشورهای روسیه، اتریش، سوئیس، آلمان، بلژیک، فرانسه و در راه بازگشت از ترکیه (عثمانی) دیدن کرد. از وقایع مهم این سفر سوءقصد به جان مظفرالدین شاه در پاریس بود، که ضارب در کار خود توفیق نیافت و آسیبی به مظفرالدین شاه نرسید.

دو سال بعد وی پس از دریافت وام جدیدی به مبلغ ده میلیون روبل از روسیه و اعطای امتیازات تازه ای در شمال ایران به روس ها عازم اروپا شد. دومین سفر مظفرالدین شاه به اروپا که در ۲۲ فروردین ۱۲۸۲ آغاز شد شش ماه به طول انجامید و در این مدت مظفرالدین شاه از اتریش، آلمان، بلژیک، فرانسه، انگلستان و ایتالیا بازدید کرد. مقصد نهائی مظفرالدین شاه در این سفر انگلستان بود.

مسافرت سوم شاه به اروپا روز ۱۶ خرداد ۱۲۸۴ آغاز شد و ۴ ماه به طول انجامید. این سفر نیز متعاقب دریافت یک وام ۲۹۰ هزار لیره ای از بانک شاهی انگلیس عملی شد.

ولادت حکیم سنایی غزنوی (1473ق)

حکیم سنائی در سال (۴۷۳ هجری قمری) در شهر غزنه (واقع در افغانستان) دیده به جهان گشود، و در سال (۵۴۵ هجری قمری) در همان شهر درگذشت. نام او را عوفی مجدالدین آدم السنائی و حاجی خلیفه آدم نیز نوشته اند. محمد بن علی الرقا از معاصران او در دیباچه حقیقه الحقیقه نام او را "ابوالمجدودبن آدم السنائی" نوشته است. این حاکی از آن است که نام های دیگری که بر روی او نهاده اند غلط می باشد. در دیوان سنایی ابیاتی به چشم می خورد که در آن سنایی خود را "حسن" خوانده است. در این بیت سنایی می گوید:

حسن اندر حسن اندر حسنم تو حسن خلق و حسن بنده حسن

بخاطر این بیت بعضی از محققان می گویند که نام او در اصل حسن بوده و وی بعدها نام "مجدود" را برای خود انتخاب کرده است. در ابتدا سنایی طبق عادت آن زمان به دربار سلاطین روی آورد و به دستگاه غزنویان راه پیدا نمود. او در ابتدا به مداحی پرداخت تا اینکه یکباره شیدا شد و دست از جهان و جهانیان شست. سنایی چند سالی از دوران جوانی را در شهرهای بلخ و سرخس و هرات و نیشابور گذراند. می گویند در زمانی که در بلخ بود به کعبه رفت. بعد از اینکه از مکه بازگشت مدتی در بلخ

ماند. در سال ۵۱۸ ه.ق به غزنین برگشت. یادگار پر ارزش سفرهایش مقداری از قصاید وی می‌باشد. بعد از بازگشت به غزنین می‌گویند که خانه‌ای نداشت و یکی از بزرگان غزنین بنام خواجه عمید احمدبن مسعود به او خانه‌ای بخشید و سنایی تا پایان عمر در غزنین در عزلت به سر برد. و در این ایام مثنوی حدیقة الحقیقه را نوشت.

نصایح و اندرزهای حکیم سنایی دلاویز و پرتنوع، شعرش روان و پرشور و خوش بیان، و خود او، در زمره پایه

فرهنگ لغت دهخدا

گذاران نخستین ادبیات منظوم عرفانی در زبان فارسی به‌شمارآمده است (صفحه ۴۲، حافظ‌نامه، شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ.)

او در مثنوی، غزل و قصیده توانائی خود را بوضوح نشان داده است.

سنائی دیوان مسعود سعد سلمان را، هنگامی که مسعود در اسارت بود، برای او تدوین کرد و با اهتمام سنایی، دیوان مسعود سعد همان زمان ثبت و پراکنده شد و این نیز از بزرگواری سنایی حکایت می‌کند.

مضامین عرفانی

بسیاری از مفاهیم و مضامین بلند اخلاقی و عرفانی، برای نخستین بار، با سحر و سادگی سخن دل‌نشین، زلال، و از جان برخاسته حکیم سنایی به ادبیات کهن فارسی وارد شد.

این سخن تحفه‌ایست ربانی رمز اسرارهای روحانی
خاطر ناقصم چو کامل شد به سخن‌های بکر حامل شد
هر نفس شاهدهی دگر زاید هر یک از یک شگرف تر زاید
شاهدانی به چهره همچو هلال در حجاب حروف زهره جمال
در مقامی که این سخن خوانند عقل و جان سحر مطلقش دانند
خاکیان جان نثار او سازند قدسیان خرقة‌ها در اندازند
طریق‌التحقیق

همین بذره‌های اولیه سخنان روحانی و عرفانی‌ست که سنایی پراکنده کرد، و عطار و مولانا و سعدی و حافظ و جز آنان، در طول بیشتر از سه قرن، آن‌ها را به اوج پختگی، صلابت، روانی، و پر معنایی رسانیدند.

سنائی و مولانا

معانی و الفاظ نو ظهور عرفانی در شعر و سخن سنائی در اشعار و اندیشه‌های دیگر استادان سخن فارسی همچون مولانا تأثیر گذارده و در مواردی بازتاب مستقیم داشته‌اند.

مولانای بلخی، عطار نیشابوری و سنایی غزنوی را به منزله روح و چشم خود می‌دانست:

عطار روح بود و سنایی دو چشم او ما از پی سنایی و عطار آمدم

آثار

قصاید، غزلیات، رباعیات، قطعات و مفردات سنایی در دیوان اشعار وی گرد آمده است. جز دیوان، آثار دیگر او عبارت‌اند از:

حدیقة الحقیقه: این منظومه که در قالب مثنوی سروده شده است، محتوای عرفانی دارد. این منظومه را الهی‌نامه سنایی نیز خوانده‌اند. کار سرودن حدیقة الحقیقه در سال ۵۲۵ هجری قمری پایان یافته است.
طریق‌التحقیق: منظومه دیگری در قالب مثنوی است که به وزن و شیوه حدیقة الحقیقه سروده شده است و کار سرودن آن در سال ۵۲۸ ه.ق سه سال بعد از اتمام حدیقة الحقیقه، تمام شده است.

سیرالعباد الی المعاد: شامل هفتصد بیت است و در آن از موضوعات اخلاقی سخن رفته است. سنایی در این اثر به طریق تمثیل، از خلقت انسان و نفوس و عقل‌ها صحبت به میان آورده است. سنایی آن را در سرخس سروده است.
کارنامه بلخ: هنگام توقف شاعر در بلخ سروده شده و حدود پانصد بیت است و چون به طریق مزاح سروده شده، آن را مطایبه‌نامه نیز گفته‌اند.

عشق‌نامه: شامل حدود هزار بیت در قالب مثنوی است و در چهار بخش حقایق، معارف، مواعظ و حکم گرد آمده است.

عقل‌نامه: منظومه‌ای است که در سبک و وزن عشق‌نامه در قالب مثنوی سروده شده است.
مکاتیب: نوشته‌ها و نامه‌هایی از سنایی است که به نثر فارسی نوشته شده و از آن با نام مکاتیب یا رسائل سنایی یاد می‌شود.

درگذشت ادیسون (1931م)

توماس آلو ادیسون دانشمند شهیر آمریکایی در 11 فوریه سال 1847م در ایالت اوهایو در آمریکا به دنیا آمد. او تنها سه ماه برای تحصیل به مدرسه رفت و از آن پس تحت تربیت مادرش قرار گرفت. ادیسون از کودکی، فکری خلاق و پشتکاری فراوان داشت. از این رو تصمیم گرفت که مسیر زندگی خود را در راه ارتقاء علم و دانش قرار دهد. تحقیقات علمی ادیسون از ده سالگی او آغاز شد و او وقتش را در مطالعات و اختراعات علمی صرف می‌کرد. وی از طریق چاپ و انتشار روزنامه در قطار، هزینه آزمایش‌های خود را به دست می‌آورد. ادیسون مردی شگفت‌آور، پرکار و کم خواب بود. چون از کار روزانه دست می‌کشید، مطالعات علمی‌اش را درباره برق دنبال می‌کرد و گاه تا سپیده‌دم بیدار بود. دامنه فعالیت و کار او آنچنان گسترده و زیاد بود که گاهی 20 ساعت در روز کار می‌کرد و بر این عقیده بود که حداقل در هر ده روز یک اختراع جدید عرضه نماید. این اعتقاد سرانجام جامه عمل پوشید و او در طی عمر پربار علمی خود، صدها اختراع را به انجام رساند. ادیسون در سال 1879م نخستین لامپ را اختراع کرد و در سال‌های بعد، اولین مرکز تولید و توزیع شبکه برق را برای روشنایی به وجود آورد. وی قبل از آن که چراغ برق خود را اختراع کند، یک شبکه ایستگاه‌های مرکزی و همچنین کنتوری برای اندازه‌گیری مقدار مصرف برق اختراع کرد. ادیسون در تکمیل رادیو نیز کوشید و اختراعات دیگران از جمله تلفن، ماشین‌تحریر، سینما، ژنراتورهای برق و ترن‌های برقی را کامل کرد. شکست، هرگز ادیسون را نا امید نمی‌کرد و او سرانجام پس از ده هزار بار آزمایش برای ذخیره برق در باتری، به نتیجه دلخواه رسید. از این مخترع شهیر که به دلیل کثرت اختراع، به پدر اختراعات مشهور است، بیش از 1300 اختراع به ثبت رسیده که موارد ثبت نشده، بیشتر است. آنچه در زندگی ادیسون مهم بود آن که وی به معنای مصطلح علمی، دانشمند و صاحب تحصیلات عالی نبود، اما دست‌آوردهای فکری او، زمینه ساز ترقی دانشمندان و اندیشمندان در سال‌های بعد از او گردید. ادیسون موفق شد مرز میان علم و اختراع را بردارد و راه را برای شرکت همگان در پیشرفت علوم و بهره‌برداری از آن آماده سازد. ادیسون در تعریف نبوغ گفته است: یک درصد الهام و نود و نه درصد کوشش و تلاش. توماس آلو ادیسون سرانجام در نهایت شهرت و محبوبیت در 18 اکتبر 1931م، در 84 سالگی درگذشت.